

تأثیر عرفان در شعر «نظامی گنجوی»

دکتر اسماعیل حاکمی، تهران

در میان خدماتی که دانشمندان و سخن گستران چیره دست ایرانی به عالم اسلامی کرده‌اند، شاید خدمت عرفای ایرانی از همه جالبتر و ارزنده‌تر باشد، زیرا از اواخر قرن اول هجری توجه خاصی از طرف ایرانیان معتقد به مبانی اسلامی ابراز می‌شد که از ماورای قوانین و قواعدی که مورد اطاعت مسلمانان بود، توجهی به باطن و جهان معنویت بشود به حقیقت کلی عالم هستی که همه موجودات گیتی مظاهر و جلوه‌های آنند، راهی پیدا کنند و از میان غبار تن که به قول «حافظ» حجاب چهره جان می‌شود نور پاک حقیقت را مشاهده نمایند. این است که از اوایل قرن دوم هجری مشربی روحانی در این کشور رسوخ یافته که مبنای آن بر تربیت روحانی نفس و مطلوب آن رسیدن به حقیقت مطلق بود و پیروان این مشرب را صوفی و اهل عرفان نام نهادند. در باب منشأ این فکر عقاید گوناگونی ابراز شده است. از جمله یکی این که: عرفان و تصوف چنان که در ایران تجلی است، بر اساس شریعت اسلام و احادیث و آیات قرآنی نهاده شده است و گفتار پیامبر بزرگ اسلام و مولای متقیان را که به فقر یعنی به بی‌نیازی از تجملات ظاهر فریب دنیا و لذت گذران آن فخر داشت و کردار آن حضرت را سرمشق و راهنمای واقعی عرفای ایرانی می‌دانند. برای روشن شدن مطلب، تجلی فکر بزرگان سخن گستر این سرزمین را در عالم عرفان باید از خلال آثار ارزنده آنان مورد بحث و بررسی قرار داد.

شعر عرفانی فارسی در آغاز امر بیشتر جنبه ذوق و حال داشت و عبارت بود

از ترانه‌ها یا قطعات کوتاهی همراه با عشق و اشتیاق که بیشتر در خانقاهها زبان شیوخ می‌گذشت یا به قوالان برای سماع داده می‌شد. لیکن شعر عرفانی صورت قصائد غرا آمیخته با حکمت و موعظه و غزل‌های لطیف و مثنویهای منظم حکیم سنائی غزنوی است. بهترین شاعری که بعد از سنائی توانست در این منظومه عرفانی و حکمی و اجتماعی توفیق یابد، «حکیم نظامی گنجوی» است. مخزن الاسرار او را باید از جمله بهترین نمونه‌های این گونه آثار دانست. تاژ سنائی در مخزن الاسرار «نظامی» که اشارتی به کتاب حدیقه وی در مقدمه آن ز آمده است، کاملاً آشکار است. مخزن الاسرار که از حیث ماده تا اندازه‌ای حدیقه سنائی شبیه است، از حیث طراوات و عذوبت لفظ غالباً بر آن برتری دارد و با این همه از جهت عمق فکر و قوت معنی البته به پای آن نمی‌رسد.

مخزن الاسرار اندیشه‌هایی است در بیست یا بیست و یک مقاله راجع به زه و عرفان که در طی آن شاعر از هر چیزی سخن رانده است. از آفرینش آدم احوال عالم، از بیوفایی دنیا، از استقبال آخرت، از توبه و تجرید و مقولات دیگر با این همه قصه‌های کوتاه اما غالباً پُرمایه و دلنشین از سخنان تلخ و عتاب‌آلود برخلاف اندرزه‌های محض واعظان و برخی شاعران دیگر شنیدنی کرده است. در این قصه‌های کوتاه زبان شیرین و اندیشه ژرف او تأثیر بسزائی کرده است. مثلاً داستان نوشیروان که شکایت مظالم خویش را در آغاز سلطنت از زیان چغدا می‌شنود، از حیث قدرت تأثیر کم‌نظیر است. پیرزنی هم که به شکایت، دام سنجر را می‌گیرد چنان تند و گیرا سخن می‌گوید که سنجر را چاره‌ای جز عبرت‌تنبه نمی‌ماند. عیسی که سگ مرده‌ای را با یک گروه مردم عیبجوی در رهگذر می‌بیند، می‌ایستد و با سخنی مؤثر زیبایی دندانه‌های «جیفه» را که در نظر دیگران جز عیب و زشتی ندارد، نشان می‌دهد، در طی این گونه قصه‌ها شاعر افکار لطیف و تازه بیان می‌کند و اسرار معرفت را چنان که در طی سالهای عزلت و تأمل

دریافته است، باز می‌نماید. در مخزن الاسرار که شاعر هنوز تا حدی جوان است، گویی شعر را وسیله‌ای برای بیان حکمت و اخلاق می‌داند و تحقیق و اندرز را یگانه شیوه‌ای می‌شمرد که لایق شان شاعری است. نزد وی شاعری در پیشگاه کبریا اگر چه خود در ردیف پیغمبر نیست اما از مقام قرب نیز چندان دور نیست و ناچار از هدف او - ارشاد و تعلیم - بهره‌ای دارد.

در حقیقت این قصه‌ها که در طی سالهای دراز انزوای تلخ و خاموش، زندگی را شور و لطف و رؤیا می‌بخشید، از هر دستی بود؛ قصه‌های عبرت‌انگیز و قصه‌های مخصوص اخلاق و تحقیق که سرگذشتهای روحانی بود. سرگذشت زاهدان، توبه‌کاران، واعظان، فقیران و از همه آنها ذوق عزلت و میل زهد و تفکر می‌تراوید. این گونه قصه‌ها بود که اندیشه‌های ریاضت‌آمیز مخزن الاسرار را رنگ جلوه می‌داد. ابیات نغز و بلند او در معانی حکمی و توحید و نعت لحنی خاص و لطافتی بسزا دارد. حقیقت این که در مقام توحید و نعت عظمت مخصوص به سخن بخشیده مانند ابیات زیر که از مقدمه مخزن الاسرار و در توحید پروردگار است:

ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده
زیر نشین علمت کائنات ما به تو قائم چو تو قائم بذات
هستی تو صورت و پیوند نه تو به کس و کس به تو مانند نه
آنچه تغییر نپذیرد تویی آنچه نمرده است و نمیرد تویی
ما همه فانی و بقا بس تراست ملک تعالی و تقدس تراست
«نظامی» با سرودن نخستین اثر خود مخزن الاسرار منظومه‌ای اخلاقی

عرفانی به وجود آورد که شامل ابداعات شعری گوناگون است. وی در این اثر از تاملات، تمثیلات، کنایات و همه صناعات ادبی سود جسته است تا از مجموع آنها منظومه‌ای کامل و خالی از نقصی بسازد. وجود ممتاز «نظامی» آوردن معانی

بلند و دانش نیروی تخیل قوی، احساسات زایدالوصف دینی، شیوه بیان دقیق، چیره‌دستی در فنّ داستان‌سرایی، انتخاب و طرح موضوعات، تعمق فلسفی و تفاهم اجتماعی است.

مثنوی مخزن الاسرار مرکب است از بیست یا بیست و یک مقاله و محتویات آن مواعظ و نصایح دینی توأم با عقاید عرفانی است که بواسطه مثالها و حکایات کوتاهی توضیح داده شده است. می‌توان گفت این کتاب از طرفی خاتمه دوره زندگی خشک و زاهدانه شاعر را می‌نمایاند و از طرفی هم طلیمه دوره جدیدی از خلق دیگر آثار او می‌شود و سبکی را که در واقع هنر اختصاصی اوست یعنی سبک داستان تاریخی و به ویژه داستان رمانتیک به وجود می‌آورد. همان طور که «گفته» شاعر آلمانی نخست احساسات تند جوانی را در خود غلبه داد و سپس داستان «ورتر» را نوشت، همان طور هم «نظامی» را مشاهده می‌کنیم که در مخزن الاسرار خود را در برابر منظومه خویش بی‌طرف نگه می‌دارد و اشخاص داستان را از لحاظ حکایت به حال خود وا می‌گذارد و مانند یک داستان نویس رئالیست خود را برای وصف حال و شرح عواطف قلبی و غم و شادی بشری و تقریر و تصویر شهرات و بیست و بلند انسانی که هدف هنر است، آماده می‌سازد. برخی از صاحبان تذکره حکیم نظامی را در تصوف مرید «اخی فرج زنجانی» دانسته‌اند. آقای دکتر بیح‌الله صفا در این‌باره نوشته است: «خواه این قول صحیح باشد یا غلط، تعلق خاطر «نظامی» به تصوف و ایراد افکار صوفیانه از اشعار او لایح است و زندگانی او نیز با زهد و اعتکاف همراه بوده است.»

مقالات بیست‌گانه این مثنوی به ترتیب عبارتند از:

در آفرینش آدم، در اندرز پادشاه به محافظت عدل، در حوادث عالم،

رعایت از رعیت، در وصف پیروی، در اعتبار موجودات، در فضیلت آدمی

حیوانات، در بیان آفرینش، در ترک مومنات دنیوی، در نمودار آخرالزمان،

در بیوفائی دنیا، در وداع منزل خاک، در نكوهش جهان، در نكوهش غفلت، در نكوهش رشكبران، در چابكروی، در پرستش و تجرید، در نكوهش دو رویان، در استقبال آخرت و در وقاحت ابنای عصر که در ضمن هر مقاله، حکایتی به مناسبت نقل می‌کند.

مخزن الاسرار شامل ۲۲۶۰ بیت است که در بحر سریع مطوی موقوف: مفتعلن مفتعلن فاعلات (فاعلن) سروده است.

«نظامی» در مخزن الاسرار که معرف جنبه عرفانی و اخلاقی شاعر است، شخصیت خود را به خوبی نشان داده است. مبنای کتاب بر رازهایی چند است و همین رازهاست که جنبه عرفانی بدان داده است. توجه «نظامی» در این منظومه به دل است که همه عارفان آنرا مجلای حقیقت دانند. شاعر پس از ذکر مقدمات، با عنوان «در توصیف شب و شناختن دل» بحثی را آغاز و بعد با خود در بار خلوت می‌کند:

خلوت اول: در پرورش دل - و از این خلوت ثمره‌ای می‌گیرد.

خلوت دوم: در عشرت شبانه - از این خلوت نیز ثمره‌ای می‌گیرد.

پس از این دو خلوت به ذکر بیست مقالت می‌پردازد و در واقع مقالات

بیستگانه محصولاتی است که از این خلوتها به دست آورده است.

شاعر کتاب را با نام خدا آغاز می‌کند و سپس به مناجات می‌پردازد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هست کلید در گنج حکیم

ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده

پس از مناجات دوم به نعت حضرت ختمی مرتبت (ص) می‌پردازد. آنگاه ضمن

مقایسه مخزن الاسرار با حدیقه سنائی دنباله سخن را در «لفیلت سخن» می‌کشد

و پس از آن در «توصیف شب و شناختن دل» داد سخن می‌دهد. در مقالت اول

کتاب، به آفرینش آدم اشاره می‌کند و در مقالت دوم از دادگری و نوع دوستی و

محبت به دیگران سخن می‌گوید:

عمر به خشنودی دلها گذار تا ز تو خشنود بود کردگار
سایه خورشید سواران طلب رنج خود راحت یاران طلب
درد ستانی کن و درماندهی تات رساند به فرماندهی
گرم شو از مهر و ز کین سرد باش چون مه و خورشید جوانمرد باش
هر که به نیکی عمل آغاز کرد نیکی از روی بدو باز کرد
گنبد گردنده ز روی قیاس هست به نیکی و بدی حق شناس

پس از آن دیگر مقالات کتاب به ترتیب با عناوین: در حوادث عالم، در رعایت از رعیت، در وصف پیری، در اعتبار موجودات و... می‌آید و مقالت بیستم با نام «در وقاحت ابنای عصر» پایان بخش این منظومه است که یکی از ابیات آن چنین است:

شکر که این نامه به عنوان رسید پیشتر از عمر به پایان رسید
در این جا به این نکته باید اشاره کنیم که شعر تعلیمی و عرفانی فارسی یکی از گسترده‌ترین اقسام شعر و ادب ماست و در این زمینه، آثار برجسته‌ای مانند: بوستان، حدیقه، مخزن الاسرار، مثنوی و جام‌جم ارحمدی داریم. موضوعاتی که در اشعار تعلیمی آمده‌اند، عبارتند از: اخلاق، مذهب، سیاست، فنون و غیره. اشعار اخلاقی مهم‌ترین نوع اشعار تعلیمی هستند و این آثار در بسیاری از موارد با عرفان توأمند همان‌گونه که در مخزن الاسرار «نظامی» و آثار مشابه دیده می‌شود. در ادبیات فارسی برای نوع تعلیمی نامهای مختلفی به کار رفته است از قبیل: تحقیق، زهد، پند، حکمت، وعظ و تعلیم. گاه پاره‌ای از انواع شعر تعلیمی با نوع دیگر یعنی شعر غنائی مرز مشترک پیدا می‌کند و به تعبیری می‌توان آن را شعر انسانی نامید که در آن موضوعاتی از قبیل: بشر دوستی، حب وطن، آزادیخواهی و محبت خانواده و نظایر اینها مطرح می‌شود. همچنین است شعر مذهبی که هم می‌تواند در

اشعار غنائی ذکر شود و هم از انواع شعر تعلیمی به حساب آید.

در یک تقسیم‌بندی موضوعاتی از قبیل: مدح، هجو، عشق، رثا و عرفان با ادبیات غنایی منطبق می‌شوند و مباحثی از قبیل: پند و حکمت و ادبیات مذهبی از مقلوٰ شعر تعلیمی به حساب می‌آیند، مکتب خاصی که «نظامی» در انواع شعر به وجود آورد، موجب شد تا تعدادی از شاعران بعد از وی از آثار او تقلید کنند و هر کدام یک یا چند اثر از خمسه «نظامی» را استقبال کنند. از میان گروه کثیری از شاعران که به تقلید از مخزن الاسرار پرداختند نام این چند تن مشهورتر از سایرین است:

۱. «امیر خسرو دهلوی» (درگذشته به سال ۷۲۵هـ) صاحب مثنوی مطلع الانوار.
۲. «خواجوی کرمانی» (درگذشته به سال ۷۵۰هـ) که نظیره‌ای بر مخزن الاسرار سروده است با نام روضة الانوار.
۳. «عماد فقیه کرمانی» (درگذشته به سال ۷۷۳هـ) صاحب مونس الابرار.
۴. «عبدالرحمن جامی» (درگذشته به سال ۸۹۸هـ) صاحب مثنوی تحفة الاحرار.
۵. «عرفی شیرازی» (درگذشته به سال ۹۹۹هـ) صاحب مجمع الایکار.
۶. «فیضی دکنی» (درگذشته به سال ۱۰۰۴هـ) صاحب مرکز ادوار.

تمام این مثنویهای یادشده به تقلید و شیوه مخزن الاسرار «نظامی» سروده شده‌اند و حاوی نکات اخلاقی، مذهبی و عرفانی‌اند.

در یک نگاه کلی به خمسه «حکیم نظامی» باید گفت: قسمت اعظم کلام «نظامی» متعلق به اخلاق است. گذشته از مخزن الاسرار که مخصوص تعلیمات اخلاقی است، او در مثنویهای خود در موارد متعدد از اخلاق سخن گفته است. از جنبه ابراز احساسات انسانی که لطیف‌ترین اقسام شعر است، شاید بتوان گفت در میان قدا غیر از «فردوسی» کس دیگری نتوانسته است با «نظامی» برابری کند. «نظامی» در عرفان و سیر و سلوک یکی از پیشوایان بزرگ و دارای مراتب بلند

است. آن چه از اشعار وی استنباط می‌شود این است که وی مراتب و مقامات باطنی و قلبی را طی کرده و به ریاضت، نفس را رام ساخته است.

در پاکی اخلاق و عصمت و تقوا نظیر «حکیم نظامی» را در میان شعرای عالم نمی‌توان پیدا کرد. در تمام آثار وی یک لفظ رکبیک و یک سخن زشت پیدا نمی‌شود و یک بیت هجا بر زبان او نگذشته است. در این گونه روش پرهیزگاری و حیا برای «نظامی» در میان شعرا همانندی پیدا نمی‌شود مگر «حکیم ابوالقاسم فردوسی» که در اثر بزرگی او هم از اول تا آخر یک کلمه رکبیک دیده نمی‌شود. «نظامی» در علوم متداول عصر خویش دست داشته و در عرفان و ریاضت به مقام شیخوخت و کمال رسیده و در اعتقاد به مبانی اسلام و ایران دوستی نیز پایدار و بی‌نظیر است. گذشته از مخزن الاسرار در مثنویهای دیگر حکیم نیز از قبیل: هفت پیکر، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و اسکندرنامه مطالب اخلاق و عرفانی و اندیشه‌های حکمی و فلسفی به چشم می‌خورد، مانند این ابیات:

یکی مرغ برکوه بنشست و خامت بر آن که چه افزود و زانکه چه کاست؟
 تو آن مرضی را این جهان گوه تو چو رفتی جهان را چه اندوه تو
 (اسکندرنامه)

شنیدستم که افلاطون شب و روز با به گریه داشتی چشم جهان‌سوز
 برسیدند از و کاین گریه از چیست بگفتی چشم کس بیهوده نگریست
 از آن گریم که جسم و جان دمساز به هم خو کرده‌اند از دیر گه باز
 جدا خواهند گشت از آشنایی همی گریم بدان روز جدایی
 (خسرو و شیرین)

گذشته از خمسه (پنج گنج)، اشعار پراکنده دیگری نیز از «حکیم نظامی» بر جای مانده است مانند: قصاید، غزلهای، قطعات و رباعیات. از میان غزلهای معدودی که به وی نسبت داده شده است، برخی مانند اکثر غزلهای شاعران قزو

ششم هجری مطبوع و شیواست و در آنها چاشنی عرفان کاملاً محسوس و مشهود است:

غم مخور یارا که حق فریاد غمخواران رسد
 یار کار افتاده را یاری هم از یاران رسد
 دولت جاوید خواهی خیز و شب را زنده‌دار
 خفته ناینا بود دولت به بیداران رسد

تبرا کن دلا از خود پرستی چو اندر حلقهٔ مردان نشستی
 شراب شوق اندر جمع مردان چو کردی نوش فارغ شو ز هستی
 ز یار انصاف جتن هست پندار ز خود انصاف ده گر یار هستی
 خوری خونابه صد سال اندرین راه همه با دست اگر یکدل بختی

درین چمن که ز پیری خمیده شد کمرم ز شاخدهای بقا بعد ازین چه بهره برم
 گذشت عمر و نکردم بجز گنه کاری میان مردم از آن روی مانده پیش سرم
 خبر ز معنی و آگاهییم ز صورت نیست که رفت از دل و دیده معانی و صورم
 به آب اشک ندامت توان سترد این حرف ولی چه سود قضا نیست تابع قدمم

ژورنال شکارگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال هفتم علوم انسانی

با استفاده از:

- ۱- خمسه نظامی به تصحیح وحید دستگردی.
- ۲- گنج سخن تألیف دکتر ذبیح الله صفا.
- ۳- شعر المعجم: شبلی نعمانی، ترجمه فخر داعی.
- ۴- تاریخ ادبیات ریپکا، ترجمه دکتر عیسی شهابی.
- ۵- تاریخ ادبیات فارسی انه، ترجمه دکتر شفق.
- ۶- هفت آسمان تألیف مولوی احمد علی.

- ۷- باکاروان حله: دکتر زرین کوب.
- ۸- سیری در شعر فارسی: دکتر زرین کوب.
- ۹- مجله دانشکده ادبیات (۱۳۵۸)، مقاله دکتر فرشید ورد.
- ۱۰- مجله خرد و کوشش (۱۳۵۴) مقاله دکتر شفیمی کدکنی.
- ۱۱- تجلیات عرفان در ادبیات فارسی: دکتر صورتگر.
- ۱۲- تحلیل هفت پیکر نظامی: دکتر محمد معین.

چو شبنم صبحدم گریان بگلگشت چمن رفتم
 نهادم روی بر روی گنل و از خویشتن رفتم
 تو ای گالی بعد ازین با هر که می خواهد دلت بنشین
 که من چون لاله با داغ جفایت زین چمن رفتم
 دلی می باید و صبری که آرد باب دیدارش
 فغانی گر دلی داری تو باش اینجا که من رفتم

بابا فغانی (مترفی: ۱۹۲۵)

==*==*==*==*